

«حلقات»

درس 45

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای طیبی

مقدمه

در درس های گذشته، سیره عقلائی به عنوان اصلی ترین دلیل اثبات حجیت ظواهر، در معرض دو اشکال بود که یکی از آنها مطرح شد و پاسخ آن نیز بیان گردید. این درس اشکال دوم بر استدلال به این سیره -که قبلاً طرح شده بود- را پاسخ می دهد و در پایان، مقدمه ای از بحث موضوع حجیت ظواهر را بیان می کند.

یادگیری این درس، سبب حل مشکلات استدلال به سیره عقلائی می شود و می توان حجیت ظواهر را با این سیره اثبات کرد. همچنین سبب تنقیح موضوع حجیت ظواهر می شود. برای فراگیری بهتر این درس، مطالعه اجمالی دلالت تصویری و دلالت تصدیقی اول و ثانی که در حلقه ثانیه بیان شده - راهگشا است.

متن درس

و هذا الاعتراض انما قد يتجه إذا كان دليل الإمضاء متطابقاً في الموضوع مع السيرة العقلانية . فكما ان السيرة العقلانية موضوعها المتكلم الاعتيادي الذي يندر اعتماده على القرائن المنفصلة، كذلك دليل الإمضاء، و لكن دليل الإمضاء أوسع من ذلك لأن السيرة العقلانية و ان كانت مختصة بالتكلم الاعتيادي الا انها تقتضي الجرى على طبقها في كلمات الشارع أيضاً اما للعادة، أو لعدم الاطلاع إلى فترة من الزمن على خروج الشارع في اعتماده على القرائن المنفصلة عن الحالة الاعتيادية، و هذا يشكل خطراً على الأغراض الشرعية يحتم الردع لو لم يكن الشارع موافقاً على الأخذ بظواهر كلامه. و من هنا يكشف عدم الردع عن إقرار الشارع لحجية الظهور في الكلام الصادر منه.

پاسخ اشکال دوم به سیره عقلائیه

یادآوری : اشکال دوم این بود که، شارع به جهت اعتماد بسیارش بر قرائن منفصله یک متکلم عادی محسوب نمی شود و هر کس که متکلم عادی محسوب نشود، عقلاً ظاهر کلام او را حجت نمی دانند. در نتیجه، عقلاً ظاهر کلام شارع را حجت نمی دانند.

مدعا در جواب : سیره عقلاً با امضای شارع حجت می شود و قابلیت استدلال در عرصه شرعیات را پیدا می کند؛ چون امضای شارع نوعی رضایت به سیره رایج بین عقلاً می باشد، اما لازم به ذکر است که همیشه موضوع سیره عقلاً با موضوع امضای شارع یکی نبوده و موضوع امضای شارع وسیع تر از موضوع سیره عقلاً است.

توضیح مدعا : این جواب سه مقدمه دارد :

1. بسیاری از سیره های عقلائیه، ذاتاً و موضوعاً به شارع ربطی ندارند و چون ماهیتاً موضوع آنها ربطی به موضوعات شرعی ندارد، قابلیت اجراء در امور شرعی را ندارند.
2. ممکن است عقلاً - اگر شارع از جریان این سیره ها در شرع، ردع و منع نکند - به جهت غفلت، عادت یا ندانستن اینکه سیره در امور شرعی متفاوت است، سیره عقلائیه خودشان را در حوزه شرع هم جاری کنند.
3. لذا اگر شارع با جریان سیره عقلائیه مخالف است، باید از این سیره منع بکند - هر چند که ذاتاً و موضوعاً ربطی به امور شرع ندارد - تا با جریان این سیره، اغراض شارع در معرض زوال قرار نگیرد.

نتیجه جواب : ردع نکردن شارع مساوی است با امضاء و رضایت شارع به جریان این سیره عقلائیه هم در محدوده موضوع خودش و هم در جایی که ممکن است به خاطر خطای غفلت یا عادت و ... در حوزه شرع، این سیره توسط عقلا جاری شود. پس موضوع امضای شرع (هم در بین عقلا هم در حوزه شرع) وسیع تر از موضوع سیره عقلا است.

مثال عرفی

بر فرض این که در یک لیوان معمولی، مایع شیمیایی سمی وجود دارد. که در حالت معمول کسی آن را برای نوشیدن انتخاب نمی کند. حال اگر کسی از روی غفلت یا خطا این لیوان مایع - که شبیه لیوان نوشیدنیهای مجاز است - را استفاده کند، بر کسی که نسبت به محتویات لیوان آگاهی دارد لازم است دیگران را آگاهی دهد و از نوشیدن آن مایع ردع و منع بکند و اگر این کار را انجام ندهد مستوجب سرزنش است.

Sco1:7:00

تطبیق در محل بحث

مقدمات :

1. یکی از سیره‌های عقلائیه، عمل به ظواهر کلام متکلم است که در این سیره کلام متکلمین عادی، کاشف از مراد آنها محسوب می شود. این موضوع از لحاظ ماهیت ربطی به موضوعات شرع ندارد، چون موضوع این سیره کلام متکلمین عادی است، در حالی که شارع یک متکلم غیرعادی است.

2. سیره عقلائیه اقتضای جریان در کلمات شارع را دارد و ممکن است عقلا به

جهت غفلت یا عادت و ...، در کلام شارع (که از متکلمین غیرعادی است)، نیز سیره رایج خود را جاری کنند و ظاهر کلام شارع را کاشف از مرادش قرار دهند.

3. اگر شارع با جریان این سیره در حوزه شرع مخالف باشد و آن را موجب نقض

غرض خود بداند، باید از تمسک به ظواهر کلام در کلمات متکلمین عادی و غیرعادی، منع و ردع بکند. پس در واقع سیره عقلائیه مربوط به یک حوزه (متکلمین عادی) است، اما ردع شارع در صورت مخالفت او، حوزه‌های متعددی (متکلمین عادی و غیرعادی) را در برمی گیرد.

نتیجه: اگر شارع از عمل به سیره عقلائیه در این حوزه‌ها (متکلمین عادی و غیرعادی) منع نکرد و در مقابل تمسک به ظاهر در این موارد، سکوت کرد، این سیره مورد امضا و رضایت شارع است و عقلا می توانند در مواجهه با کلمات او به مانند سخنان متکلمین عادی رفتار کنند و به ظواهر کلمات او تمسک نمایند.

Sco2:19:34

تشخیص موضوع حجیت

بعد از اثبات حجیت ظواهر با استدلال به سیره عقلائیه و ...، باید مراد از ظهور در

قضیه «الظُّهُورُ حُجَّةٌ» بیان کنیم

مقدمه

قبل از پاسخ دادن به این سؤال ابتدا به بیان اقسام ظهور می پردازیم.

1. **ظهور تصویری:** خطوط تصویر در ذهن یا تداعی معنای لفظ در هنگام شنیدن آن را اصطلاحاً «ظهور تصویری» یا «دلالت تصویری» گویند.

بدین معنا که انسان در هنگام شنیدن یک لفظ، ناخودآگاه تصویر معنای آن لفظ در ذهن او تداعی شود. و ممکن است این لفظ را از هر طریقی بشنود، مثل آن که متکلم قاصدی آن لفظ را بیان کند یا طوطی کلامی را بگوید.

2. ظهور تصدیقی اول: یعنی ب‌دست آوردن معنایی که از مجموع الفاظ استعمال

شده بوسیله‌ی متکلم، ناشی می‌شود؛ هر چند ممکن است این معنا غیر از معنای مفردات کلام باشد و ظهور تصدیقی با ظهور تصویری متفاوت باشد.

3. ظهور تصدیقی ثانی: ب‌دست آوردن غرض جدی متکلم از استعمال الفاظ و

آنچه مراد متکلم از کلام است را اصطلاحاً «ظهور تصدیقی ثانی» یا «دالت تصدیقی ثانی» می‌نامند.

مثالی برای این سه نوع ظهور

اگر فرض بگیریم مولا بگوید «جئنی بأسدی می».

1. با شنیدن لفظ «جئ» در ذهن، نوعی وجوب تداعی می‌شود و با شنیدن لفظ

«أسد» معنای شیر جنگل تصور می‌شود و از «یرمی» تصویر تیر انداختن تداعی می‌شود. این نوع ظهورات، ظهورات تصویری هستند.

2. از آنجایی که «یرمی» با «أسد» به معنای شیر جنگل، سازگار نیست، معلوم می‌شود

لفظ «أسد» در رجل شجاع استعمال شده است و در نتیجه از مجموع این الفاظ ظهور جدیدی نشأت می‌گیرد؛ این ظهور، ظهور تصدیقی اولی است.

3. اما آن گاه که غرض جدی متکلم از استفاده این الفاظ در معانی خود، با توجه

به قرائن متصله و منفصله در نظر گرفته شود ظهوری ب‌دست می‌آید که «ظهور تصدیقی ثانی» نامیده می‌شود.

Sco3: 26:38

1. موضوع سیره عقلا با موضوع امضای شارع همیشه یکی نیست و گاهی امضای شارع وسیع تر از موضوع سیره عقلا است.
2. بسیاری از سیره‌های عقلائیه چون ماهیت موضوع آنها ربطی به موضوعات شرعی ندارد، قابلیت اجرا در امور شرعی را ندارند.
3. اگر شارع نمی‌خواهد عقلا در اثر غفلت یا خطا، سیره‌های مختص به خود را در شرع جاری کنند، باید از اجرای این سیره‌ها ردع و منع بکند.
4. عقلا به ظاهر کلام متکلمین عادی تمسک می‌کنند و اگر شارع با جریان این سیره در امور شرعی مخالف است، باید ردع و منع بکند.
5. عدم ردع و منع شارع از سیره‌های مختص به عقلا به معنای رضایت به جریان این سیره‌ها حتی در امور شرعی است، چون شارع می‌دانست عقلا بفواصل خطا یا غفلت و ... سیره‌های مختص به خود را در شرع جریان می‌دهند.
6. بعد از اثبات حجیت ظواهر، یکی از مسائل مهم، تبیین موضوع در قضیه "الظهور حجة" است.
7. یکی از سه نوع ظهور تصویری (تداعی معنا هنگام شنیدن لفظ)، تصدیقی اول (کشف معنای استعمالی از الفاظ)، یا تصدیقی ثانی (کشف غرض جدی متکلم از استعمال الفاظ)، موضوع حکم حجیت هستند.